

تطبيق قوانين عده در ايران و ساير كشورها*

لمياء رستمى تبريزى**

چکیده

يکى از مسائل فقهي - حقوقى که اهداف خاصى را دنبال مى‌کند، موضوع عده مى‌باشد. در مدت عده، چه عده طلاق و چه عده وفات، زنان حق ازدواج مجدد ندارند. عده در تمام مذاهب اسلامى اصلى مسلم مى‌باشد و تنها در احکام آن اختلافاتى جزئى ديده مى‌شود. در اين نوشتار ضمن بررسى تطبيقى قوانين عده در ايران و برخى کشورهاى اسلامى و غيراسلامى به اين سؤال پاسخ داده مى‌شود که آیا در قوانين کشورهاى اروپايى و آمريکايى مسئله‌اى به نام عده وجود دارد؟ در پاسخ روشن مى‌شود اصل بر عدم وجود عده است، ليکن جهت پيشگيرى از مشکلات ناشى از اختلاط نسب در کشورهاى مذکور، تمهيداتى مانند اطاله دادرسى، تفريق جسمانى در خلال رسيدگى به دادخواست طلاق و منع زوجين از ازدواج مجدد به مدت تعيين شده در حکم طلاق، اهداف عده را به گونه‌اى غير مستقيم محقق مى‌سازد.

کلید واژه

عده طلاق، عده وفات، نکاح دائم، نکاح موقت، انحلال نکاح

* - تاريخ دريافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵؛ تاريخ تأييد: ۱۳۸۸/۳/۲۰

tabrizilamya@yhaoo.com

** - استاديار و عضو هيئت علمى دانشگاه شهيد بهشتى

طرح مسأله

احکام اسلامی که مبتنی بر آیات قرآن است، به دلیل اتصال به علم لایتناهی و حکمت باری تعالی مسلم و قطعی محسوب می‌شوند. این احکام عمدتاً غیرقابل تغییر بوده و لازم الاجرا می‌باشند. اما احکامی که مبتنی بر روایات هستند، مستلزم تحقیق بوده و فقها در آن موارد ممکن است نظرات متفاوت اعلام نمایند. عده جزو دستوراتی است که در قرآن مطرح شده و برخی از احکام آن اعلام گردیده است. قرآن کریم به صراحت وضعیت ازدواج مجدد زنان مطلقه، زنانی که نکاح آنها به دلایلی فسخ شده یا زنانی که شوهران خود را در اثر فوت از دست داده‌اند، معلوم نموده و به عنوان مثال اعلام می‌دارد زنان مطلقه باید بعد از طلاق به مدت سه پاکی صبر نمایند و سپس می‌توانند مجدداً ازدواج کنند. یا در مورد زنی که شوهرش فوت نموده اعلام می‌نماید، زن باید به مدت چهار ماه و ده روز صبر کند و پس از آن می‌تواند در صورت تمایل ازدواج نماید. بنابراین در قرآن کریم به اصل نگه داشتن عده و مدت آن برای زن پس از طلاق یا فوت شوهر تصریح شده است. لیکن در این که چرا مدت عده در طلاق با مدت آن در فوت شوهر متفاوت می‌باشد، به صراحت مطلبی بیان نشده است.

تعیین فلسفه عده، با توجه به پیشرفت علم و مسائل مستحدثه روز می‌تواند دارای اثرات و تبعات متعدد باشد. چنانچه فلسفه تشریح عده، اطمینان از براءت رحم از طفل باشد، در این صورت با اطمینان از عدم وجود طفل در رحم با توسل به شیوه‌های جدید پزشکی می‌توان زن را از تحمل عده در مواردی معاف نمود. لیکن در صورتی که امر به عده تبعدی باشد با اطمینان به عدم وجود طفل نیز باید قائل به حفظ و نگه‌داری عده برای زنان بود.

تفاوت در برخی احکام عده در کشورهای اسلامی، فقه امامیه و اهل تسنن سوالاتی را در ذهن مسلمانان ایجاد می‌کند که ضرورت تبیین و تشریح عده بیشتر نمایان می‌شود. به عنوان مثال عده طلاق بر مبنای فقه شیعی سه طهر و در مورد فقه عامه سه حیض تعیین شده است. دیگر آن که فقه امامیه نگه داری عده توسط زن یائسه را لازم ندانسته در حالی که زنان یائسه طبق فقه عامه ملزم به نگه داشتن عده به مدت سه ماه می‌باشند.

در کشورهای غیر اسلامی عمدتاً به حفظ و نگه داری عده بعد از طلاق یا فوت شوهر قائل نیستند، این سوال مطرح می‌شود که قوانین این کشورها چه رویکردی نسبت به امکان اختلاط نسب در موردی که زن پس از طلاق بلافاصله ازدواج می‌نماید، دارند و چگونه در صورت پیدایش حمل به تعیین پدر و تبعات قانونی آن مانند پرداخت نفقه می‌پردازند. آیا با عنایت به عدم تقنین عده در قوانین کشورهای غیر اسلامی، تمهیداتی جهت رفع این مشکل در نظر گرفته شده است؟

مقاله حاضر در صدد است ابتدا موضوع عده را با مراجعه به مستندات قرآنی، احادیث معتبر، نظر مشهور فقها و قوانین مدنی ایران بررسی نموده و سپس آن را با سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی تطبیق دهد و نهایتاً آثار و تبعات تشریح یا عدم تشریح عده را در قوانین کشورها بیان نماید.

۱) عده در ایران

۱-۱) عده در فقه و قانون

نگهداری عده مختص زنان می‌باشد و از تبعات انحلال نکاح ناشی از طلاق، فوت، فسخ نکاح و نزدیکی به شبهه است و از موانع نکاح مجدد به شمار می‌رود.

عده، به کسر عین و فتح دال مشدد، اسم مصدر اعتداد از ریشه عدد است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۳۲۴). از نظر فقهی، عده عبارت است از: «مدتی که زن پس از جدایی از شوهر، در حالت انتظار است» (محقق داماد، ۱۳۸۲: ص ۴۴۷). اعم از اینکه علت جدایی طلاق، فسخ نکاح، موت، بذل مدت یا انقضای آن باشد. «انتظار» معادل واژه «تربص» است که در قرآن کریم آمده: «و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثه قروء...» (بقره، ۲۲۸). (زنان مطلقه به مدت سه پاک‌ی نفس خود را به انتظار می‌گذرانند...). علامه حلی مفهوم فقهی عده را این‌گونه بیان کرده است: «مقدار زمانی که زن پس از انحلال نکاح به جهت مرگ شوهر یا به لحاظ اطمینان از پاک بودن رحمش از حمل یا به جهت تعبد شرعی با فرض به یقین به برائت رحم از حمل باید صبر کرده و از ازدواج مجدد خودداری نماید» (حلی، ۱۳۲۴ق: ص ۱۴۷). شهید ثانی نیز می‌نویسد: «عده از دیدگاه شرعی زمان معینی است که در آن زمان زن باید به جهت اطمینان از برائت رحم از حمل یا به سبب مرگ شوهر صبر نماید، عده به منظور صیانت نسب و جلوگیری از آمیخته شدن آنها با یکدیگر تشریح شده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۱۳).

قرآن کریم در آیاتی، اصل عده زنان را در وضعیت‌های متفاوت بیان نموده است: «لزوم انتظار زن مطلقه به مدت سه پاک‌ی قبل از ازدواج مجدد» (بقره، ۲۲۸). «مدت عده برای زنانی که به اقتضای سن، حیض نمی‌بینند سه ماه و برای زنان حامله تا وضع حمل می‌باشد»^۱ (طلاق، ۴). «مدت عده زنان به جهت فوت شوهر چهار ماه و ده روز است»^۲ (بقره، ۲۳۴). زنانی که پس از انحلال نکاح ملزم به حفظ

۱- «و اللاتی ینسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلاثة اشهر و اللاتی لم یحضن و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن...».

۲- «و الذین یتوفون منکم و یدرون ازواجاً یتربصن بانفسهن اربعة اشهر و عشراً...».

و نگه‌داری عده نمی‌باشند: مانند «زنان غیر مدخوله^۱» (احزاب، ۴۹).

عده از احکام تأسیسی اسلام نبوده و نگه‌داری عده در بین اقوام و ملل پیش از اسلام نیز وجود داشته، لیکن احکام آن تابع نظام خاصی نبوده و زن را در اکثر موارد در شرایط سخت و دشواری قرار می‌دادند. اسلام، با اهداف خاصی برای زنان پس از انحلال نکاح از طریق طلاق یا فوت شوهر، عده قرار داده و آن را تابع نظام و مقررات خاصی اعلام نموده است (علوی قزوینی، ۱۳۸۷: ش ۴۰، ص ۸).

قانون مدنی در مبحث سوم از فصل دوم به احکام عده اختصاص دارد. در ماده ۱۱۵۰ ق.م.آمه: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند». در ماده ۱۱۵۱ ق.م. مدت عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر اعلام شده مگر در مورد زنانی که با اقتضای سن، عادت زنانگی نمی‌بینند که مدت عده آنان سه ماه می‌باشد. در ماده ۱۱۵۲ ق.م. عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر مقرر شده، جز در مورد زنانی که با اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌بینند که مدت عده آنان ۴۵ روز می‌باشد. در ماده ۱۱۵۳ ق.م.آمه «زنی که باردار باشد باید تا وضع حمل عده نگه دارد». طبق ماده ۱۱۵۴ ق.م. عده وفات در نکاح دائم و منقطع به طور یکسان چهار ماه و ده روز معین گردیده، مگر در مورد زن حامله که مدت عده وی تا زمان وضع حمل ادامه دارد، مشروط بر این که فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

۱ - «یا ایها الذین امنوا اذا انکحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من قبل ان تمسوهن فما لکم علیهن من عده تعدونها...».

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

ماده ۱۱۵۵ ق.م. حکم زنان غیر مدخوله و زنان یائسه را تعیین نموده که در مورد طلاق و فسخ نکاح حفظ عده بر آنان لازم نیست، ولی در مورد وفات شوهر باید عده نگه دارند. زنی که شوهرش غایب مفقودالاثربوده و حاکم او را طلاق داده باشد، طبق ماده ۱۱۵۶ ق.م. باید از تاریخ طلاق، عده وفات نگه دارد. هم چنین بر زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کرده باشد، مطابق ماده ۱۱۵۷ ق.م. حفظ عده طلاق واجب است.

عده با اوصافی که در فقه و قانون مدنی وجود دارد، در برخی موارد عینا و در سایر موارد با تفاوت‌هایی در کشورهای اسلامی رعایت می‌شود. در کشورهای غیراسلامی، جز در موارد معدودی مانند قانون فرانسه، کوبا و ژاپن عده مورد تقنین قرار نگرفته، اگرچه برای ازدواج مجدد صبر کردن تا مدتی پس از فوت همسر (اعم از زن یا شوهر) به صورت عرفی معمول و رایج می‌باشد. مدتی که مرد یا زن پس از فوت همسر، قبل از ازدواج مجدد صبر می‌کند؛ در کشورهای مختلف به تناسب اصول اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی حاکم بر آن جوامع متفاوت می‌باشد، لیکن عموماً این امر از امور شخصی و فردی محسوب شده و به احساسات افراد مختلف بستگی دارد.

۲-۱) فلسفه عده

اصل تشریح عده به علت منصوص بودن آن در قرآن بدون شک و شبهه مورد اجماع فقها و حقوق دانان است. به همین دلیل در بسیاری از منابع، عده را مفهومی مسلم دانسته و به فلسفه تشریح آن پرداخته‌اند. قرآن کریم، فلسفه عده را ظهور تکوین جنین در رحم و فراهم کردن امکان بازگشت شوهر به زن در طلاق رجعی بیان نموده است (بقره، ۲۲۸). تصریح قرآنی عده، موجب شده که برخی فقها نگهداری عده پس از انحلال نکاح توسط زن را امری تعبیدی دانسته و در هر

حال رعایت آن را واجب می‌دانند. بنابراین در تبیین حکمت تشریح عده دو دیدگاه وجود دارد:

الف) عده دارای علت خاص بوده و بنا به تصریح قرآنی اطمینان از برائت رحم می‌باشد. بنابراین دیدگاه چنانچه با روش‌هایی مانند آزمایش‌های بارداری معلوم شود که حاملی در میان نیست، عده منتفی می‌شود. این دیدگاه طرفداران کمی دارد.

ب) عده در همه موارد امری تعبدی است، اگرچه برخی از حکمت‌های عده تبیین شده، ولی باید به آن متعبد بود. در تبیین فلسفه عده می‌توان به امور ذیل اشاره نمود:

۱-۲-۱) جلوگیری از اختلاط نسب

مهم‌ترین و بدیهی‌ترین علت نگهداشتن عده برای زنی که رابطه زوجیت وی منحل شده، جلوگیری از اختلاط نسب است (ر.ک. صفایی و امامی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۶).

زنی که از نکاح به جهت فوت یا طلاق، خارج می‌شود؛ برای اطمینان پاکی رحم از جنین، به مدت معینی، از ازدواج مجدد خودداری می‌کند تا از اختلاط نسب پیشگیری شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «اما عده المطلقه، ثلاث حیض او ثلاثة اشهر فلاستبراء الرحم من الولد...» (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۵۰۸). (عده زن مطلقه سه حیض یا سه ماه است، به جهت اطمینان پاکی رحم از طفل). برائت زن یا تسه، زوجه صغیره و زن غیر مدخوله از نگهداری عده نیز در همین راستا قابل تبیین می‌باشد.

این حکم را ممکن است به زنان فاقد رحم نیز، به دلیل عدم امکان پیدایش طفل در این گونه زنان تسری داد (ر.ک. علوی قزوینی، ۱۳۸۷: ش ۴۰، ص ۷).

اگرچه اصل تشریح عده به دلیل مستندات قرآنی قطعی و مسلم است؛ لیکن با توجه به اطمینان از پاکی رحم که دلیل اصلی تشریح عده می‌باشد، این سوال مطرح می‌شود که چرا مدت عده در نکاح دائم با نکاح منقطع متفاوت است؟ به این سؤال

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

هیچ یک از فقها و حقوق دانان پاسخی نداده و آن را از امور تبعدی تلقی نموده و به بحث در این گونه موارد نپرداخته‌اند. از طرف دیگر، با پیشرفت علمی و پزشکی و با عنایت به این که با انجام آزمایشات پزشکی و سایر شیوه‌های علمی حصول اطمینان از برائت رحم امکان پذیر می‌باشد، آیا هنوز رعایت عده واجب و لازم است؟ فقها در این خصوص پاسخی نداده و هنوز قوانین ایران فرض تبعدی بودن این گونه امور را مبنا قرار داده و به همین طریق قانون تدوین شده است.

۲-۲-۱) امکان رجوع شوهر در طلاق رجعی

عده طلاق مهلتی برای تفکر و بازگشت به زندگی خانوادگی می‌باشد. در این مدت زن و شوهر می‌توانند درباره کانون خانوادگی و سرنوشت فرزندان‌شان نیک بیندیشند و قانون‌گذار به شوهر امکان داده در صورت پشیمانی از گسستن رابطه زناشویی، با رجوع خود، اثر طلاق را از میان ببرد و زندگی مشترک را از سرگیرد (صفایی و امامی، ۱۳۸۷: صص ۱۰۷-۱۰۶). خداوند حکیم می‌فرماید: «... و بعولتھن احق بردهن ان ارادا اصلاحا...» (بقره، ۲۲۸). «... شوهران آنان نسبت به بازگشت محق‌ترند، اگر نیت خیر و اصلاح دارند». به همین سبب است که زن در طلاق رجعی مستحق نفقه بوده و در این راستا به مرد امر شده که زن را در خانه خود نگه دارد. در آیه دیگر می‌فرماید: «لا تخرجهن من بیوتھن لا تدری لعل اللہ یحدث بعد ذلک امرا» (طلاق، ۱). (یعنی آنان را از خانه‌هایشان خارج نکنید شاید خداوند گشایشی نموده و بین آنان صلح شود).

۳-۲-۱) حفظ حیات و حمایت از جنین

زنی که در حین طلاق یا فوت شوهر حامله باشد، باید تا وضع حمل فرزند عده نگه دارد. در خصوص حامل بودن زن، مدت عده در موارد طلاق و فوت شوهر

متفاوت بوده و به نظر می‌رسد در طلاق، فلسفه عده حفظ حیات کودک از آسیب‌هایی است که شاید در اثر ازدواج توسط شوهر جدید به زن وارد شود، مانند اجبار به سقط جنین. لذا در عده وفات به زن حامله، اجازه ازدواج مجدد، قبل از چهار ماه و ده روز، حتی در صورت وضع حمل، داده نشده است. بنابراین لزوم نگهداری عده توسط زن در فوت شوهر تابع فلسفه دیگری می‌باشد که در ادامه بیان می‌شود.

۴-۲-۱) احترام به شوهر در فوت

عده وفات از دو جهت با عده طلاق متفاوت است: از نظر مدت، از عده طلاق طولانی‌تر است و از نظر مصداق شامل زنان یائسه و غیر مدخوله که عده طلاق بر آنها واجب نیست؛ نیز می‌شود. به نظر می‌رسد ماهیت و فلسفه عده وفات با عده طلاق کاملاً متفاوت باشد. هدف از تشریح عده معلوم شدن وضعیت حمل زن نیست؛ بلکه حفظ حرمت و وفاداری زن به زندگی زناشویی با مرد است. لذا ممکن است این سوال مطرح شود که چرا حفظ احترام زن پس از فوت بر شوهر واجب نشده است، در این صورت برای مرد نیز ازدواج مجدد در این مدت باید ممنوع اعلام می‌شد.

پاسخ به این سوال در منابع فقهی داده نشده و برخی متأخرین تنها به فلسفه وجوب حرمت زندگی زناشویی توسط زن اشاره کرده‌اند. علامه طباطبایی دلیل این امر بر زوجه را رعایت جانب حیا، عفاف و حفظ‌شان می‌داند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۲). هم‌چنین در مورد طولانی‌تر بودن مدت عده وفات بر طلاق، شیخ صدوق تشریح این مدت را حداکثر زمانی می‌داند که زن تحمل ترک آمیزش را دارد و تحمل و بردباری عمده زنان پس از چهار ماه به سر می‌آید (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ص ۲۴۲). عدم وجوب عده وفات بر مردان شاید مبتنی بر این دیدگاه باشد که عمده مردان پس از فوت همسر تحمل ترک آمیزش را نداشته و در فاصله کوتاهی

نیاز به ازدواج مجدد پیدا می‌کنند. این دیدگاه نیازمند تامل و تحقیق می‌باشد، لیکن وجوب صبر کردن مردان پس از فوت همسر قبل از ازدواج مجدد، اخلاقاً مطلوب و پسندیده به نظر می‌رسد.

برخی حقوق‌دانان در مورد عده طلاق نیز احترام به زندگی زناشویی را به عنوان دلیل ذکر کرده‌اند (صفایی، امامی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۶). چنانچه احترام به زندگی زناشویی از دلایل وجوب عده بر زن باشد، این سوال مطرح می‌شود که چرا مدت عده طلاق اعم از نکاح دائم (سه طهر)، نکاح منقطع (دو طهر) و عده وفات (چهار ماه و ده روز) متفاوت اعلام شده است. آیا حفظ حرمت زندگی زناشویی در طلاق از اهمیت کمتری نسبت به فوت شوهر برخوردار می‌باشد؟ برخی در بیان تفاوت مدت عده در مورد نکاح دائم و منقطع اظهار می‌کنند: در نکاح دائم به علت پایداری آن مدت عده طولانی‌تر و در نکاح منقطع به علت موقت بودن زندگی زناشویی از احترام کمتری برخوردار است (همان). ولی در مورد تفاوت مدت عده بین طلاق و فوت شوهر دلیلی ارائه نشده است. شاید بتوان ادعا نمود زندگی زناشویی که به درخواست مرد یا زن با طلاق گسیخته شده، از حرمت کمتری برخوردار است، لیکن در فوت، زندگی زناشویی تداوم داشته و تحقق مرگ از خواست زن خارج بوده، لذا فرض بر این است که زن ادامه آن زندگی را طالب و خواهان بوده و برای از دست دادن آن حرمت بیشتری قائل می‌باشد.

۵-۲-۱) تعبدی بودن عده

برخی فقهای امامیه عده را، حتی در مواردی که زن از عدم وجود فرزند در رحم اطمینان دارد، واجب می‌دانند. محدث بحرانی در تعریف عده آورده است: «لتعرف برائه رحمها من الحمل او تعبدا» (نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۲۱۲). (زن عده نگه

می‌دارد تا از پاک بودن رحمش از حمل آگاهی یابد یا اساساً از باب تعبد عده نگه می‌دارد). این فلسفه ناظر به احکامی است که با فلسفه اصلی عده که همان برائت رحم می‌باشد، متناقض است، مانند موردی که نگه داری عده طلاق بر زنی که با او از دبر آمیزش شده است را واجب می‌داند.

نتیجه فلسفه تشریح عده این است که اصل لزوم نگه‌داری عده در طلاق، به دلیل اطمینان از برائت رحم و فراهم شدن امکان رجوع مرد به زن در طلاق رجعی، با نص صریح قرآنی مسلم و قطعی می‌باشد. سایر علل بیان شده در خصوص طولانی‌تر بودن مدت عده وفات نسبت به عده طلاق، تفاوت در مدت عده طلاق ناشی از نکاح دائم یا منقطع، لزوم نگه‌داری عده وفات بر زنان یائسه و غیر مدخوله، و وجوب نگه داری عده طلاق توسط زنی که آمیزش با او از طریق دبر بوده، بعضاً با مراجعه به برخی روایات یا نظریه حقوق دانان مورد توجیه و تبیین قرار گرفته و تحقیق و بررسی عمیق‌تری را می‌طلبد.

۲) عده در کشورهای اسلامی

در بسیاری از کشورهای اسلامی، خصوصاً در حوزه قانون مدنی، قوانین شرع حاکم است. مذاهب چهارگانه اسلامی، با استناد به نصوص قرآنی و منابع روایی، به اتفاق به مشروعیت عده قائل بوده و در این خصوص با فقهای امامیه هم عقیده‌اند. اگرچه در برخی موجبات و مدت عده احکامی متفاوت دارند. به عنوان مثال، فقهای اهل سنت در عدم وجوب عده بر مطلقه غیر مدخوله اتفاق نظر دارند، لیکن در مورد زن یائسه به وجوب نگهداری عده معتقد بوده و مدت آن را سه ماه می‌دانند. بر همین مبنا عده زن حامله را تا وضع حمل دانسته، لیکن عده زن مطلقه‌ای را که حامله یا یائسه نباشد، سه قرء بیان کرده‌اند. مذهب حنفی و حنبلی

کلمه «قرء» را حیض تفسیر کرده‌اند، ولی مذاهب امامیه، مالکیه، و شافعیه قرء را طهر تفسیر نموده‌اند. مذاهب اسلامی به اتفاق عده مطلقه‌ای را که به سن بلوغ رسیده لیکن حیض نمی‌بیند سه ماه می‌دانند.

به همین ترتیب، در قوانین کشورهای اسلامی مدت عده تابع وضعیت زن بوده و به این که شوهر زن را طلاق داده یا فوت کرده، بستگی دارد. فقهای حنفی مدت عده وفات را چهار ماه و نیم و عده طلاق را سه دوره کامل حیض می‌دانند. در اغلب کشورهای اسلامی، در عین حالی که فلسفه اصلی عده پیشگیری از اختلاط نسل اعلام شده، لیکن این عملکرد را قائلند که زن در این مدت مستحق دریافت نفقه می‌باشد. از آنجا که در قوانین اسلامی اشتراک اموال موجود در کشورهای غربی مطرح نمی‌باشد، این موضوع در کشورهای اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین ترتیب بسیاری از زنان، وقوع حیض خود را جهت اطلاع دوران استحقاق نفقه پنهان نموده و ابراز نمی‌کنند. قانون جهت پیشگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی مدت عده را محدود نموده و مقرراتی وضع نموده است (Herbert J. Liebesny, 1975). قوانین برخی از کشورهای اسلامی درخصوص عده به عنوان نمونه بررسی می‌شود:

۱-۲) مراکش

در قوانین احوال شخصیه مراکش به تبعیت از احکام اسلامی، عده زن در طلاق و فوت شوهر مورد تقنین قرار گرفته است. عده زنی که شوهرش فوت کند، چهار ماه و ده روز است و عده زن مطلقه سه حیض کامل می‌باشد. زنان در این مدت نباید با هیچ مرد دیگری ارتباط جنسی برقرار نمایند، تا اگر احیاناً از شوهر جنینی در رحم دارد معلوم شود. حرمت ارتباط جنسی با مردان با آداب و سنتی

نيز همراه است مانند: به تن كردن لباس سفيد، منع خروج از منزل در هنگام تاريخي، منع آرايش و رنگ كردن مو به نشانه عزاداري در مدت عده. وجوب قانوني عده توسط همسر متوفي جهت حفظ حقوق كودك است كه هم از نظر قانون نام پدر را دريافت مي كند و هم وي را مشمول ارث پدري مي نمايد (Ibid, p149).

در مواردی که مرد بدون دلیل زن را طلاق داده و از این طریق موجب ورود خسارت اجتماعی به زن می شود، طبق ماده ۶۰ قانون مصوب ۱۹۵۸ مراكش، مرد را با توجه به وضعیت مالی وی و با رعایت میزان تاثیر اقتصادی بر وضعیت زن، مكلف به جبران خسارت مادی می نماید. البته قانون خانواده در مراكش در سال ۱۹۹۳ م و سپس در سال ۲۰۰۴ م اصلاح گردید. قانون جديد نه تنها به زنان حق طلاق داده، بلکه در صورت طلاق قائل به تصيف دارايی هايی شده كه زن و شوهر پس از ازدواج تحصيل کرده اند (Moroccan code of personal status revised version, 2004).

۲-۲) سوریه

قانون احوال شخصیه سوریه مصوب ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۳ م كه در سال ۱۹۷۵ م اصلاح گردید، متأثر از مذهب حنفی است كه اعتقاد اكثريت مردم سوریه را منعكس می كند. این قانون عده را برای زنان، در موارد متفاوت مانند طلاق، فوت شوهر و فسخ نكاح، وضع نموده است. طبق ماده ۱۲۱ این قانون، مدت عده برای زنان غير حامل در طلاق یا فسخ نكاح، در صورتی كه عادت ماهانه زن مرتب و منظم باشد، سه حيض است. این مدت برای زنانی كه با اقتضای سن، عادت ماهانه نمی بینند یا برای زنانی كه حيض آنها قبل از سن يائسگی متوقف شده، يكسال می باشد. قانون مذکور برای زنان يائسه نيز عده قائل شده كه مدت آن سه ماه است. بر همین مبنا ماده ۱۲۳ قانون مذکور مدت عده وفات را چهار ماه و ده روز تعيين نموده است.

در قانون سوریه نیز مواردی پیش‌بینی شده که اگر مرد بدون دلیل موجه زن را طلاق داده باشد، دادگاه می‌تواند استحقاق زن نسبت به نفقه را با توجه به وضعیت اجتماعی وی تا افزون بر یک سال علاوه بر مدت عده افزایش دهد. این مبلغ به صورت نقد یا اقساط جهت جبران خسارت وارده به زن مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. بدیهی است، چنین تقنینی جنبه اجتماعی داشته و با هدف جبران خسارت انجام می‌گیرد و مبنای شرعی ندارد (The syrian law of personal status, 1975).

۲-۳) مصر

قانون احوال شخصیه مصر، مصوب ۱۹۲۹م و اصلاحیه سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ در بخش مربوط به طلاق، بر وجوب شرعی و قانونی نگهداری عده برای زنان، بعد از طلاق، اعم از رجعی یا بائن، تاکید دارد. مدت عده برای زنان مطلقه سه ماه و برای زنانی که نکاحشان به واسطه فوت شوهر منحل می‌شود، چهار ماه و سه روز اعلام شده است (The Egyptian personal status law, 1985 (2.1/a) and (2.7/a)).

مدت عده برای زنان حامله تا تاریخ وضع حمل می‌باشد. قانونگذار در تعیین مدت عده زن حامله، در مورد طلاق و فوت قائل به تفکیک نشده است. از آن جا که قانونگذار مدت عده زنان باردار پس از بیان مدت عده زنان مطلقه و بیوه بیان نموده، به نظر می‌رسد وضع حمل، ملاک پایان مدت عده در هر دو مورد طلاق و فوت می‌باشد. عده از نظر قانونی مدتی است که زن در آن مدت مجاز به ازدواج مجدد نمی‌باشد. قانون مذکور جهت حمایت از زن در زمان عده و بعد از آن پس از طلاق برای زن حق دریافت نفقه به مدت یک‌سال قرار داده است (The Egyptian personal status law, 1985 (204/a,b)).

۱- حمایت مالی زن در دوران عده، برای مرد دین محسوب شده و بر سایر دیون، حتی نفقه فرزندان مقدم می‌باشد. عدم پرداخت آن نیز ضمانت کیفری داشته و ممکن است به محکومیت مرد به یکسال زندان منجر شود.

میزان نفقه در دوران عده به تناسب وضعیت مالی مرد به تشخیص دادگاه تعیین می‌شود، لیکن وضعیت مالی زن تأثیری بر تعیین این میزان در دوران عده ندارد. حمایت مالی از زن پس از طلاق ممکن است به سبب خسارات یا تأثیرات اجتماعی که بر زن وارد می‌شود، به مدت دو سال مازاد بر یکسال قانونی، تمدید شود. تصمیم دادگاه در این مورد وابسته به مدت زمان ازدواج و وضعیت اجتماعی زن است. در غیر این صورت، دادگاه پس از یکسال ممکن است از پرداخت نفقه توسط مرد رفع تکلیف نماید^۱ (ibid).

عراق (۲-۴)

قانون احوال شخصیه، مصوب ۱۹۵۹م، در عراق، زنان در دو مورد مکلف به نگهداری عده می‌باشند: طلاق (رجعی یا بائن) و فوت شوهر؛ حتی اگر قبل از فوت نزدیکی بین آنان واقع نشده باشد. (ماده ۴۷) عده طلاق در مورد زنی که بالغ بوده لیکن هرگز عادت زنانگی ندیده است، سه ماه کامل می‌باشد. مدت عده وفات چهار ماه و ده روز می‌باشد. زنی که شوهرش فوت نموده، چنانچه حامله باشد، مدت عده وی تا وضع حمل خواهد بود، به شرط آن که مدت آن از چهار ماه و ده روز کمتر نباشد وگرنه همان چهار ماه و ده روز می‌باشد (ماده ۴۸). قانون مذکور، شروع مدت عده بلافاصله پس از طلاق یا فوت می‌باشد، چه زن نسبت به آن آگاهی داشته باشد یا نداشته باشد (Iraq personal status law, 1959).

۱ - طبق قانون قبل زن می‌توانست در مدت شیردهی تا دوسال و پس از آن تا سه سال (یک حیض در یکسال) به عنوان عده نفقه درخواست نماید. از آنجا که در این مورد دادگاه بر اساس ادعای زن حکم صادر می‌کند، صرف ادعای زن مورد پذیرش قرار می‌گرفت. با شیوع چنین سوء استفاده‌هایی قانون جدید بر مبنای وقایع علمی که دوران آبستنی را بیش از یکسال غیر ممکن می‌داند، جز در مورد شیردهی حد اکثر مدت عده را به یکسال تقلیل داده است.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

در قانون احوال شخصیه عراق در مورد نفقه زن در مدت عده یا جبران خسارت ناشی از طلاق اشاره‌ای نشده است (ماده ۴۹).

۲-۵) هندوستان

قانون هندوستان اگرچه در اکثر موارد بر قانون انگلستان منطبق می‌باشد، ولی در مورد مسائل مربوط به خانواده در حوزه هندوها و مسلمانان تابع آیین آنان است و طبق قانون مسلمانان حنفی (قانون حمایت از حقوق زنان در طلاق مصوب ۱۹۸۶م) زنان مطلقه در مدت عده استحقاق دریافت نفقه را دارند، ولی در قانون مدت عده تعیین نشده و مرد مکلف است نفقه زن مطلقه را تا زمان مرگ وی یا تا زمانی که مجدداً ازدواج نکرده تأمین نماید (The muslim women(protection of rights on Divorce) Act 1986).

۳) کشورهای غیر اسلامی

در کشورهای اروپایی و آمریکایی اصل و مبنای قوانین موضوعه یا دین اکثریت شهروندان جامعه یا نظام عرفی مبتنی بر تحولات روز جامعه می‌باشد. در نظام‌های کمونیستی و سوسیالیستی نیز نظام حاکم و قوانین موضوعه بر مبنای نظام فکری و سیاسی استوار است، که ذیلاً هر یک به اختصار بیان می‌شود:

۳-۱) کشورهای اروپایی

نظام حقوقی اکثر کشورهای اروپایی در خصوص ازدواج و طلاق متأثر از احکام دین مسیحیت می‌باشد، اگرچه تحولات اجتماعی باعث شده تا به تدریج قوانین متناسب با نیازهای اجتماعی و تحت تأثیر انقلاب صنعتی و تحولات آزادیخواهی و احیای حقوق زنان و تفکرات فمینیستی قرار بگیرد. اصل مشترک

در کلیه نظام‌های اروپایی این است که طلاق بنا به تقاضای هر یک از زوجین در چند مرحله صورت می‌گیرد. احکام مربوط به هر یک از این مراحل در قوانین موضوعه کشورها پیش‌بینی شده است.

۱-۱-۳) فرانسه

در کشور فرانسه، طبق ماده ۲۲۹ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۹۷۵م، حکم طلاق بر سه مبنا صادر می‌شود:

الف) رضایت و توافق زوجین؛ در صورت رضایت و توافق زوجین، آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و بدون ذکر دلیل و با ارائه طرح قراردادی مورد توافق بین آنها به قاضی، تقاضای طلاق نمایند. در اینگونه موارد قاضی با بررسی طرح قراردادی مذکور و مذاکره با زوجین، قصد و نیت آنان را برای طلاق احراز نموده و مدت سه ماه به آنان فرصت می‌دهد تا در درخواست خود تعمق و تفکر نمایند. در صورت عدم مراجعه زوجین به دادگاه طی شش ماه، درخواست مذکور ملغی محسوب شده و بی‌اثر می‌گردد (ماده ۲۳۱ ق.م). در صورت مراجعه به دادگاه و اصرار بر طلاق، قاضی طرح قراردادی ارائه شده توسط زوجین را که مبنای توافق آنان است، تایید نموده و با طلاق موافقت می‌نماید. در صورتی که طرح قراردادی منافع فرزندان یا یکی از زوجین را تأمین ننماید، قاضی می‌تواند از صدور حکم طلاق امتناع نماید (ماده ۲۳۲ ق.م).

ب) قطع زندگی مشترک؛ طبق ماده ۲۳۷ ق.م. فرانسه، هرگاه زوجین عملاً به مدت شش سال از هم جدا زندگی کرده باشند، همسر می‌تواند به علت قطع طولانی رابطه تقاضای طلاق نماید. به همین صورت است اگر یکی از زوجین در این مدت مبتلا به جنون یا اختلال شدید قوای دماغی شود. در این موارد قاضی به دلیل قطع زندگی، حکم طلاق صادر می‌نماید، مگر این که طلاق مذکور برای فرزندان یا همسر مجنون

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

نتایج منفی مادی یا معنوی داشته باشد (ماده ۲۳۸ - ۲۳۷ ق. م.).

ج) تقصیر؛ برابر ماده ۲۴۲ ق. م. فرانسه، تقصیر هر یک از طرفین به سبب اعمال قابل انتساب که به الزامات زناشویی آسیب رسانده و بقاء زندگی مشترک را غیر قابل تحمل نماید؛ به طرف دیگر حق تقاضای طلاق می‌دهد.

طبق قانون فرانسه، نگهداری عده برای زن مطلقه یا بیوه (به سبب فوت شوهر) ۳۰۰ روز است. در مواردی که طلاق به واسطه قطع زندگی مشترک صادر شده باشد، رعایت عده برای زن الزام قانونی ندارد. در همه موارد و موجبات قانونی طلاق، چنان چه طرفین با اجازه دادگاه از هم جدا زندگی کرده باشند، مدت عده از تاریخ اقامت جداگانه زن و شوهر احتساب می‌گردد. در مورد طلاق به تقاضای طرفین مدت عده از تاریخ تایید قرارداد زوجین به وسیله قاضی آغاز می‌گردد. اگر زن هنگام طلاق حامله باشد، انقضاء مدت عده با وضع حمل وی خواهد بود.

از بین کشورهای اروپایی، فرانسه تنها کشوری است که به صراحت برای ازدواج مجدد زن ممنوعیت زمانی (عده) قائل شده است. البته فلسفه عده در قانون بیان نشده، ولی به نظر می‌رسد، اختلاط نسب و هم چنین رفع آثار روحی - روانی طلاق بر زن و ایجاد آرامش برای وی در مدت عده، از جهات اساسی اهداف قانونگذاری بوده است.

در فرانسه اصول محاکمات طلاق بسیار پیچیده و مشتمل بر چندین مرحله است. عموماً، قاضی پس از درخواست یکی از زوجین مبنی بر طلاق سعی در ایجاد صلح و آشتی می‌نماید. در صورت عدم توفیق و عدم امکان ادامه زندگی در یک منزل، چنان چه قبل از تقاضای طلاق تفریق جسمانی صورت نگرفته باشد، دادگاه اجازه می‌دهد زن مسکن جداگانه داشته باشد. زمان وقوع تفریق جسمانی یا

تفکیک مسکن زن از مرد، در طلاق مبنای شروع احتساب عده برای زن می‌باشد. پس از صدور حکم طلاق و انجام تشریفات قانونی، مانند تعیین وضعیت اموال و حضانت فرزندان، زن مکلف است به مدت ۳۰۰ روز عده نگه دارد (ماده ۲۹۶ ق.م). پس از انقضای مدت عده می‌تواند با شوهر قبلی یا با دیگری با انجام تشریفات مقرر قانونی مجدداً ازدواج نماید. در مدت عده برای شوهر حق رجوع وجود ندارد، لیکن وی می‌تواند پس از انقضاء مدت عده بر اساس قرارداد جدید با همسر قبلی خویش ازدواج نماید (Franch Civil code, Title VI of Divorce, 1975).

۲-۱-۳) ایتالیا

قانون طلاق ایتالیا مصوب ۱۹۷۰م، متأثر از احکام کلیسایی و تحولات و اقتضات اجتماعی است، برای زن مطلقه عده پیش‌بینی نشده، لیکن مروری بر موجبات درخواست طلاق از طرف زوجین نشان می‌دهد: اولاً امکان طلاق فقط با مراجعه به دادگاه میسر می‌باشد، ثانیاً حکم طلاق از طرف قاضی پس از احراز عدم امکان سازش بین زوجین صورت می‌گیرد (ماده ۳ قانون طلاق). طبق ماده مذکور، زوجین در چهار مورد می‌توانند تقاضای طلاق نمایند: محکومیت قطعی یکی از زوجین؛ منکوحه غیرمدخوله (این مورد مبتنی بر احکام کلیسایی است)؛ حکم به بطلان یا انحلال ازدواج در خارج از کشور یا انعقاد نکاح جدید در خارج (مشروط بر این که یکی از زوجین تبعه خارجی باشد) و قطع رابطه زندگی مشترک.

تقاضای طلاق در بند اول بر مبنای محکومیت قطعی زوج عمدتاً مبتنی بر ارتکاب جرائم سیاسی، اخلاقی و اجتماعی از جمله همسر آزاری و داشتن روابط نامشروع با محارم، توسط همسر می‌باشد. در بند سوم عملاً ازدواج خاتمه یافته و رابطه بین زوجین منتفی می‌شود. در همان بند ازدواج شوهر در خارج از کشور، اگر

چه به جهت جلوگیری از تعدد زوجات در ایتالیا مورد پیش بینی مقنن قرار گرفته، از موجبات درخواست طلاق عنوان شده و به نحوی نشانگر این واقعیت است که زوج از زوجه برای مدتی دور بوده و با ازدواج مجدد عملاً رابطه زناشویی با همسر اول متفی می‌باشد. بند چهارم که بیشترین مورد درخواست طلاق است نیز به دنبال اخذ مجوز از دادگاه مبنی بر تفریق قانونی طرفین به مدت ۵ سال می‌باشد، قطعاً رابطه زندگی مشترک مدتها قبل از درخواست طلاق قطع شده است. این مدت پس از اصلاحاتی که در قانون سال ۱۹۸۷ صورت گرفت به ۳ سال تقلیل یافت. موارد مذکور نشانگر این است که عموماً روند، مدت رسیدگی و صدور حکم طلاق در ایتالیا بسیار طولانی بوده و در مواردی که بین طرفین توافق باشد بین ۴-۵ سال و در مورد اختلاف بسیار طولانی تر می‌باشد (Italy Divorce law, 1970).

عنایت و دقت در موجبات قانونی درخواست طلاق از طرف زوجین، هم‌چنین روند رسیدگی دادگاه در صدور حکم طلاق، مبین این نکته است که در همه موارد خصوصاً در مورد طلاق بند چهارم مدت زمانی سپری می‌شود. مدتی قبل از تحقق موجبات طلاق و امکان مراجعه به دادگاه جهت تقاضای طلاق و مدتی نیز زمان رسیدگی به دادخواست طلاق و اجرای مراحل مختلف طلاق که عمدتاً به دنبال قطع رابطه زناشویی انجام می‌گیرد. که این مدت جهت کشف حامل بودن زن یا عدم آن نیز کافی است. قاضی در صورت حامل بودن زن، با رعایت اقتضائات قانونی جهت پرداخت کمک هزینه به زن توسط همسر، یا رعایت مصالح فرزند، اقدام قانونی متناسب اعمال خواهد نمود. این تمهیدات قانونی، به طور غیرمستقیم، هدف اصلی عده که همان جلوگیری از اختلاط نسل است، عملاً با گذشت این مدت زمان تحقق می‌یابد.

بررسی سیر تحولات قانونی در ایتالیا نشان می‌دهد که در زمان امپراطوری روم قدیم نسبت به این که زن پس از فوت شوهر، حداقل یک‌سال منتظر بماند و از ازدواج مجدد امتناع کند، توجه شده و عدم رعایت این مدت بی‌احترامی به شوهر محسوب می‌شد. زن ممکن است به جهت وضعیت روحی از دست دادن شوهر انتخاب مناسبی نسبت به ازدواج جدید نداشته باشد، همچنین ممکن است با ازدواج مجدد اموالی را که از شوهر به ارث برده از دست بدهد. در مورد ازدواج بعد از طلاق نیز امکان اختلاط نسب برای زنان حامله موجود بود و چنین ازدواجی مورد تأیید عرفی قرار نمی‌گرفت (Grubbs, Judith, 2000).

۳-۱-۳ انگلستان

در قوانین انگلستان، مانند اکثر کشورهای اروپایی، پس از طلاق برای زن عده پیش‌بینی نشده است. سیستم حقوقی انگلستان، خصوصاً در حوزه طلاق از احکام کلیسایی متأثر بوده و گرفتن طلاق، جز در موارد معدودی بسیار مشکل و مستلزم صرف وقت بسیاری بود. دشواری قانونی طلاق و تحولات اجتماعی-فرهنگی باعث شد افراد، خصوصاً جوانان، کمتر به سوی ازدواج رفته و به صورت غیررسمی با یکدیگر زندگی نمایند. بنابراین قانونگذار در صدد بر آمد با تسهیل طلاق، به رسمیت بخشیدن زندگی مشترک توافقی و قائل شدن به آثار قانونی ازدواج، این نقیصه قانونی را رفع نموده و پاسخ‌گوی شرایط فعلی جامعه باشد. طبق قانون خانواده انگلستان مصوب ۱۹۹۶م، زوجین در پنج مورد می‌توانند تقاضای طلاق نمایند: ارتکاب زنا^۱ توسط یکی از زوجین؛ ترک همسر به مدت دو

۱- زنا فقط شامل ارتباط جنسی زن یا مرد با جنس مخالف است که بین آنها رابطه زناشویی نباشد. رابطه زن یا مرد با هم‌جنسان تحت این عنوان در دادگاه قابل طرح نبوده بلکه باید تحت عنوان رفتار غیر متعارف و غیر قابل تحمل مبتنی در خواست طلاق قرار گیرد.

سال متوالی به قصد ترک زندگی؛ رفتار غیرمتعارف به طوری که ادامه زندگی برای طرف مقابل غیرقابل تحمل نماید؛ و تقاضای طلاق یک طرفه مسبوق بر زندگی جدا از هم به مدت پنج سال و توافق طرفین بر طلاق که در این مورد زوجین باید ابتدا به مدت دو سال از یکدیگر جدا زندگی کنند و سپس طلاق بگیرند.

(The Family law Act, 1996 part II, Divorce and separation)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قوانین طلاق انگلستان اثری از عده نمی‌باشد. اگرچه در اینجا نیز باید توجه نمود که حکم طلاق از طرف دادگاه، حتی در مواردی که طرفین بر طلاق توافق داشته باشند، مستلزم سپری نمودن مراحل مختلف و طولانی است، در آن مدت رابطه زناشویی، گاهی به دلیل پیش نیاز طلاق و گاهی به دلیل عدم وجود رابطه حسنه بین زن و شوهر، منتفی می‌باشد. بنابراین شاید بتوان مدت زمان بین تقاضای طلاق تا صدور حکم قطعی طلاق که معمولاً مسبوق به بررسی شرایط زندگی، رسیدگی و تعیین تکلیف امور مالی زوجین یا تقسیم اموال آنها، تعیین تکلیف حضانت و امور مالی فرزندان و ... است را برای احراز حمله بودن زن از شوهر کافی تشخیص داد.

به علاوه منع تعدد زوجات در کشورهای اروپایی، به زن یا مرد اجازه ازدواج با دیگری را قبل از قطعی شدن حکم طلاق صادره از دادگاه نمی‌دهد. لازم به ذکر است به علت آزادی روابط جنسی بین بزرگسالان با رضایت طرفین، در این کشورها ممکن است زن یا مرد در خلال مراحل طلاق با شخص دیگری غیر از همسر ارتباط جنسی برقرار نمایند. چنان‌چه زن در این مدت باردار شود به نحوی که امکان الحاق جنین به همسر و مردی که با وی ارتباط جنسی برقرار نموده، امکان پذیر باشد، مشکلات جدی ایجاد شود و در این موارد تنها باید پس از وضع

حمل با انجام آزمایشات ژنتیکی الحاق یا عدم آن به شوهر معلوم گردد. قانون جواز سقط جنین از تبعات بروز چنین مشکلاتی در جوامع اروپایی می‌باشد.

۴-۱-۳) ژاپن

طبق قانون ژاپن زنی که طلاق می‌گیرد تا شش ماه پس از آن نمی‌تواند مجدداً ازدواج نماید. (Japanese civil code, 1896, revised in 2007)

ماده ۷۳۳ ق.م. ژاپن، زنان را از ازدواج مجدد به مدت شش ماه پس از طلاق منع می‌کند. قانون مذکور اگر چه مورد انتقاد قرار گرفته اما به دنبال اهداف خاصی وضع شده است، مانند امکان تعیین پدر در صورت حامل بودن زن و حفظ منافع فرزند. قانون مدنی ژاپن، طفلی را که پس از مدت ۲۰۰ روز از ازدواج بین زن و مرد یا در خلال مدت ۳۰۰ روز پس از جدایی زن و شوهر متولد می‌شود، ملحق به شوهر می‌داند (ماده ۷۲۲ ق.م.). بنابراین مدت ۳۰۰ روز جهت جلوگیری از اختلاط نسب و تعیین پدر برای حمل می‌باشد. طولانی بودن مدت منع ازدواج مجدد مورد انتقاد واقع شد. حقوق‌دانان معتقدند مدت ۱۰۰ روز برای نیل به هدف مذکور کفایت می‌کند. علاوه بر این که اکثر زوجین مدتها پیش از تقاضای طلاق عملاً از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند، که این مسئله امکان اختلاط نسب را متفی می‌نماید. علاوه بر این که امکانات مدرن پزشکی در حال حاضر قادر است بسیاری از شبهه‌ها را در این خصوص رفع نماید. بنابراین پیشنهاد شده است که این مدت به ۱۰۰ روز تقلیل یابد (Iwasawa, Yuji, 1998).

۲-۳ ایالات متحده آمریکا

در کشور آمریکا نیز مانند کشورهای اروپایی پس از طلاق برای زن عده پیش‌بینی شده است، اگرچه قوانین مربوط به طلاق در ایالات مختلف، متفاوت بوده و برخی ایالات احکام سخت‌تر و برخی مقررات آسان‌تری برای طلاق در نظر گرفته‌اند. از سال ۲۰۰۷م برخی ایالات به قاضی صادرکننده حکم طلاق اختیار می‌دهند که مدتی را جهت صبر کردن پیش از ازدواج مجدد، برای یکی از زوجین یا هر دو معین نماید. در صورتی که زوج مزبور، خلاف حکم دادگاه عمل نموده و پیش از سر آمدن مدت تعیین شده دادگاه، اقدام به ازدواج مجدد نماید، چنین ازدواجی، با تقاضای هر یک از زوجین جدید، قابل ابطال توسط دادگاه می‌باشد. در برخی ایالات، به طرفین فرصت داده می‌شود تا نسبت به حکم طلاق صادره از سوی دادگاه تقاضای تجدیدنظر نمایند و در آن مدت زوج دیگر را از ازدواج مجدد منع می‌نمایند. مدت انتظار (عده) از زمانی که قاضی حکم طلاق صادر می‌کند، مورد احتساب قرار می‌گیرد. از بین ۵۰ ایالت موجود در آمریکا، ۶ ایالت «آلاسکا»، «کالیفرنیا»، «مری‌لند»، «ماساچوست»، «دوکاتای جنوبی» و «واشنگتن» پس از طلاق مدت انتظار قائل نشده و حکم طلاق صادر شده از دادگاه قطعی محسوب و پس از آن زوجین می‌توانند هر وقت بخواهند با دیگری ازدواج نمایند. کمترین مدت انتظار برای ازدواج مجدد سه ماه است که توسط ایالاتی مانند «آریزونا»، «کلرادو»، «میسوری» و «مونتانا» اعلام گردیده و بیشترین مدت یک‌سال است که متعلق به ایالات «آیوا»، «لوئیزیانا»، «نبراسکا»، «نیوجرسی»، «نیویورک»، «رود آیلند»، «کارولین جنوبی» و «ویرجینیای جنوبی» می‌باشد.

(<http://www.totaldivorce.com/process/requirements/remarriage-after-divorce-waiting-period.aspx>)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قوانین اکثر ایالات متحده اگر چه عنوانی برای عده وجود ندارد، منع قانونی و لزوم انتظار طرفین جهت اقدام به ازدواج مجدد، عملکرد مشابهی خواهد داشت.

۳-۳) کشورهای سوسیالیستی

در کشورهای سوسیالیستی نیز، پس از طلاق برای زن عده قرار داده نشده، علاوه بر این که مقررات طلاق در این گونه کشورها بسیار ساده و امکان تقاضای طلاق بنا بر توافق طرفین یا بنا بر تقاضای هر یک از زوجین تنها به علت عدم امکان سازش و ادامه زندگی، به دلیل عدم وفاداری در امر زناشویی، رفتار اهانت آمیز نسبت به همسر، غیبت و ترک خانواده، محکومیت جزایی هر یک از زوجین، امراض روحی یا مقاربتی، و به راحتی امکان پذیر می‌باشد. برای وقوع طلاق در این کشورها مراجعه به دادگاه الزامی است و دادگاه با تحقق شرایط قانونی، پس از تعیین تکلیف فرزندان با در نظر گرفتن منافع و مصالح آنان حکم طلاق صادر می‌نماید. از بین کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی، «کوبا» از معدود کشورهایی است که برای زن مطلقه عده قرار داده و مدت آن ۳۰۰ روز است (Cuban Divorce law, 1934). مگر این که زن حامله باشد که در این صورت مدت عده تا وضع حمل می‌باشد.

۴) نتیجه

مقررات عده در ایران از منابع قرآنی و روایی نشأت گرفته و با استناد به نصوص قرآنی اصل تشریح عده مسلم می‌باشد. برخی آیات قرآنی مدت عده زن را در موارد مختلف مانند طلاق یا فوت شوهر و بر مبنای حامل بودن یا نبودن زن تصریح نموده است. یکی از حکمت‌های تشریح عده، بنا بر نص قرآن و برخی

روایات برائت رحم از حمل بوده، اگرچه در مواردی علیرغم اطمینان زن از برائت رحم، بر خلاف قاعده عمل شده و عده بر زن واجب گردیده است. به عنوان مثال زن مطلقه‌ای که با وی از دبر آمیزش شده نیز، علیرغم اطمینان از پاکی رحم، ملزم به حفظ عده طلاق می‌باشد. به علاوه زن یائسه، غیر مدخوله و زوجه صغیره مکلف به نگه داری عده وفات شوهر می‌باشد. همچنین زن بارداری که پس از وفات شوهر قبل از سپری شدن چهار ماه و ده روز وضع حمل می‌کند، واجب است به میزان مدت باقی مانده از ازدواج مجدد امتناع نماید.

قوانین عده در سایر کشورهای اسلامی از فقه اسلامی تبعیت نموده و عموماً قوانین مربوط به عده در این کشورها با اختلافاتی در مدت عده طلاق و فوت شوهر، مشابه قوانین ایران می‌باشند، جز در مورد زنان یائسه که فقه امامیه یائسگی را در طلاق از موجبات معافیت عده می‌داند؛ در حالی که فقه عامه زنان مطلقه یائسه را ملزم به رعایت عده می‌داند. فلسفه تشریح احکام عده در این کشورها نیز عمدتاً جلوگیری از اختلاط نسب می‌باشد.

در قوانین کشورهای غیر اسلامی، به جز معدودی از کشورها مانند فرانسه، ژاپن و کوبا، عموماً مفهوم عده، به معنای جعل مدتی که در خلال آن از ازدواج مجدد زن پس از طلاق یا فوت شوهر جلوگیری نماید، وجود ندارد. با وجود این، توجه به موجبات طلاق در نظام حقوقی این کشورها مبین این واقعیت است که در اکثر مواقع رابطه زناشویی و زندگی مشترک، مدت‌ها قبل از تقاضای طلاق از طرف هر یک از زوجین یا در خلال مراحل رسیدگی به تقاضای طلاق در دادگاه، قطع شده است. بنابراین اگرچه در قوانین کشورهای مذکور نامی از عده به میان نیامده، اهداف عده که همان جلوگیری از اختلاط نسل است، عملاً محقق می‌گردد. قوانین این کشورها،

اگرچه با منع تعدد زوجات، از ازدواج مجدد زوجین تا زمان صدور حکم قطعی طلاق ممانعت می‌کند، لیکن به دلیل آزادی و مشروعیت روابط جنسی در این جوامع قادر به پیشگیری از ایجاد ارتباط طرفین با فردی غیر از همسر در خلال مراحل طلاق نبوده و در صورتی که چنین ارتباطی منجر به بارداری زن شود، ممکن است مشکلاتی در امکان الحاق جنین به شوهر ایجاد نماید. حل این گونه مشکلات در جوامع اروپایی معمولاً با توسل به آزمایشات پزشکی و ژنتیکی یا از طریق سقط جنین انجام می‌گیرد. جهت مقابله با چنین مشکلاتی است که بسیاری از کشورهای ایالات متحده در آمریکا به قضات اختیار داده ضمن صدور حکم طلاق، با تعیین مدتی بین سه ماه تا یک سال زوجین را پس از طلاق از ازدواج مجدد منع نمایند. چنین تمهیداتی در کشورهایی که مبتنی بر نظام دینی نمی‌باشند، ضرورت و سودمندی نهاد عده در مقابله با مشکلات اختلاط نسل را به اثبات می‌رساند.

منابع

قرآن کریم

جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۲۴ ق)، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، تهران.

حلی (محقق)، یحیی بن سعید، (۱۴۰۹ق)، *شرايع الاسلام فی الحلال و الحرام*، قم:

انتشارات امیر

راغب اصفهانی، ابی القاسم (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: چ ۲، دفتر

نشر کتاب.

صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرايع*، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.

صفای، سید حسین، امامی، اسدالله (۱۳۸۷)، *مختصر حقوق خانواده*، چ ۱۶، تهران: بنیاد

حقوقی میزان.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، مؤسسه النشر اسلامی.
- علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۰)، *انواع عدله و وضعیت زنان فاقد رحم*، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲)، *بررسی فقهی حقوق خانواده*، نکاح و انحلال آن، چ ۱۰، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چ ۷، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۷)، *قانون مدنی ایران*، (تدوین جهانگیر منصور)، چ ۴۳، تهران: نشر دیدار.

Evans Grubbs, Judith (2000) *Women and the Law in the Roman Empire, Routledge .*

French civil code, 1975.

Herbert J. Liebesny (1975) ‘ *The law of the near and Middle East: readings, cases and materials*’.

Iraq’s personal status law, 1959.

Iwasawa, Yuji, (1998) *International Law, Human Rights and Japanese Law: The Impact of International Law on Japanese Law*, Oxford University Press.

Morocco’s personal status code, 1958.

State university of New York press, USA

The Egyption personal status law, 1985.

The family law Act, UK, 1996.

The Japanese civil code, 1896. Revision in 2007.

The muslim women (protection of Rights on divorce) Act 1986.

The Syrian law personal status, 1975.